



### سهم ما



هرکسی می‌تواند سهم خودش را از ماه رمضان بردارد. یکی جا می‌ماند، یکی دستش نمی‌رسد و سهم کمی برمی‌دارد، بعضی به هر آنچه به دست می‌آورند راضی می‌شوند اما به نظرم، گروهی هستند که از همه روزه‌داران زنگ‌ترند. این‌ها همان‌هایی هستند که در ماه رمضان کارهای خیر می‌کنند، فقیری اطعام می‌کنند، زندانی آزاد می‌کنند

یا اجناسی را صلواتی در اختیار مردم قرار می‌دهند. این کار خیر هم مثل نیت، آدم به آدم فرق می‌کند و هرکسی برای انجام آن کار، یک ایده‌ای دارد. شاید شما بخواهید پیرمرد همسایه بغلی را از خیابان رد کنید، دیگری قصد کند با راننده تاکسی گپ‌و‌گفت کند بلکه کمتر حرص ترافیک را بخورد یا در نوشتن مشق‌های خواهر دبستانی‌اش کمک کند اما همین تلاش برای کار خیر، همین که من دیگر همان آدم عادی قبل نیستم، ستودنی است! حالا من یک برچسب دارم که روی آن «روزه‌دار» نوشته شده است و چه بسا هر کاری بخواهم انجام بدهم، آن را نه به پای من که به پای دین من می‌گذارند، ارزش خاص خود دارد. پس من هم مهربان‌تر، خیر‌تر، به فکرتر و محتاطانه‌تر پیش می‌روم. و به نظرم آن کسی بازی را برده که کارهای خیرش را بعد از ماه رمضان هم ادامه بدهد. این طوری رمضان علاوه بر صبر و عزتمندی، به او خیر بودن هم یاد داده است.

### نمک‌گیر

در فرهنگ ما هست که اگر می‌خواهی کسی در حق تو کار ناشایستی نکند، او را پای سفره بنشان. نمک‌گیر شدن یعنی همین؛ یعنی این‌که تو به واسطه لقمه‌ای که سر سفره کسی خورده‌ای، به واسطه محبتی که دیده‌ای، دیگر رویت نشود در حق آن کس کار ناشایستی انجام بدهی. برای همین هم خیلی اوقات، حتی وقتی که دلخور و دلگیر هستیم حرمت نون و نمک همدیگر را نگه می‌داریم.

در این سال‌ها که ماه رمضان با بهار گره خورده و مهمانی‌های عید، با مهمانی خدا تلفیق شده است بیشتر از قبل به نمک‌گیر شدن هایمان فکر می‌کنم. حال، من گمان می‌کنم که برای همین هم خداوند ما را سر سفره خودش می‌نشاند.

رسم بزرگتری به جامی آورد، میزبانی می‌کند و ما را بیشتر از همیشه نمک‌گیر محبتش می‌کند. شاید که به حرمت همان نون و نمک، کمتر جلوی او و عظمتش قد علم کنیم و سرکش باشیم. در خطبه شعبانیه پیامبر (ص) نیز چنین آمده: «ای مردم! ماه خدا با برکت و رحمت و مغفرت به شما روی آورد. ماهی که نزد خدا از همه ماه‌ها برتر و روزهایش بر همه روزها و شب‌هایش بر تمام شب‌ها و ساعاتش بر همه ساعات افضل است. ماهی است که شما در آن به مهمانی خدا دعوت شده و مورد لطف او قرار گرفته‌اید.»

### حالت خاص

از زبان پیامبر اسلام (ص) نقل کردند: «اگر کسی گره‌ای از کار مومنی باز کند و مشکل مومنی را حل کند، مانند این است که ۹ هزار سال خدا را عبادت کرده باشد، در حالی که روزها را روزه و شب‌ها را به عبادت خدا مشغول است.»



در زمانه‌ای که بعضی روزه می‌گیرند چون برای کبد مفید است، روزه می‌گیرند چون می‌خواهند وزن کم کنند و هزار چون و چرای دیگر، باید بدانیم که تنها دلیل روزه گرفتن، دستور خداست. برکات جسمی و فواید روزه به جای خودش اما قرار نیست امور معنوی را به سطوح دنیوی تقلیل بدهیم. پس در ماه رمضان کارهایی هست که علاوه بر گرسنگی، باید انجام بدهیم. چرا که از اطعام فقرا و حرمت روزه‌دار را نگه داشتن تا نگهداری زبان و گفتار.

اصلاً رعایت همین باید‌ها و نبایدهاست که سبب می‌شود در ماه رمضان حتی آمار جرایم اجتماعی هم کمتر می‌شود. انکار همه روزه‌داران خودشان را بیشتر از قبل به خدا نزدیک احساس می‌کنند. اعمال و رفتار و کردارشان را بیشتر از قبل دودوتا چهارتا می‌کنند. گویی ضعفی که به معده‌ها وارد می‌شود، دائماً یادآوری می‌کند که اینجا شرایط فرق می‌کند، تو در حالت خاصی هستی و خداوند جور دیگری به تو نگاه می‌کند. به همین جهت، امام مجتبی (ع)

### بارقه‌امید



یک روز یک جایی خواندم که «ما تنها تر از آنیم که بخواهیم دعا نکنیم» و این شاید مهم‌ترین چیزی است که دلم می‌خواهد این ماه رمضان در ذهن داشته باشم.

آدم روزه‌داری که خداوند استجابت دعایش را قول داده است، چرا باید این را از خودش دریغ کند. اصلاً حتی اگر این تضمین هم نبود، دعا نقش یک سیم ارتباطی را بازی می‌کند. مثل رشته‌ای که در روزمرگی‌ها ما را به خدا وصل نگه می‌دارد. دوستی چند وقت پیش می‌گفت در روانشناسی اصطلاحی است که

می‌گویند اگر کسی گریه می‌کند، یعنی امید دارد که شخص دیگری به داد او می‌رسد و اگر کسی در تنهایی و به دور از چشم آدم‌ها گله دارد و گریه می‌کند، پس حتماً به خدا امید دارد و مطمئن است که خدا صدای او را می‌شنود. گویی نگه‌داری همین رشته ارتباطی، همین بارقه امید میان روزهای تاریکی می‌تواند آدم را نجات بدهد. همین که در کنار تمرین صبر برای عزت‌مند شدن هم تلاش کنیم. می‌گویم عزت‌مندی چون گاهی یادمان می‌رود که ارزش آدم‌های دورمان بیشتر از خدا نیست. امیدمان را به آدم‌ها وصله‌پینه می‌کنیم و هربار که از آنها ناامید می‌شویم، تازه یادمان می‌افتد که امید اصلی کس دیگری است. بزرگان دینی می‌گویند عزت‌مندی، چون که باید

آن قدر به درگاه الهی التماس کنیم تا با هربار تمنا به خداوند، یک سر و گردن به اعتبارمان اضافه شود. این طور، هربار که بنده بودن مان را جار می‌زنیم، یادمان می‌افتد که او تنها خدای ماست و ما فقط فقط بنده او. این مفتخر بودن به گدایی خداوند، عزت و احترام به ما می‌دهد. در همین راستا، پیامبر اکرم کلام خداوند را این طور نقل می‌کند که «به عزت و جلال سوگند، به فرشتگان فرمان داده‌ام درهای آسمان‌ها را به روی بندگان دعاکننده من (در هر شب ماه رمضان) بگشایند.»

